

هوالبهى

حمداً لمن لاح برهانه و ظهر سلطانه و عم احسانه و بانت محبته البيضاء و ظهر شريعته السمحاء و كشف الغطاء و اجزل فى العطاء و سمح بالموهبة الكبرى و اتى يوم اللقاء و جعل الغبراء غبطة للخضرآء و اختار حقائق نورآء و افاض عليهم فى مشهد الكبرياء نورآء استضاء به الارض و السماء فانجذبت و اهتزت و انشرفت و خشعت و سجدت و توقدت بالشعلة النورانية و اللمعة الرحمانية فى شجرة سينا فى البقعة النورآء التى انتشرت منها نفحات تعطرت بها الأرجآء و عبقت على الآفاق فأحيت قلوب اهل الوفاق و انعشت ارواح اهل الاشراق و البهآء و النشآء و التحيّة و العطاء على الجوهرة الفريدة العصماء و الدرة الدرهرمة الزهرآء و الهوية المتشعشة البهرآء الحقيقة الجامعة الذكاء اللامعة القلزم الخضم المواج و الماء الطهور الثجاج الشجرة المباركة المقدسة التى اصلها ثابت و فرعها فى السماء و تؤتى اكلها فى كل حين

الهى الهى ترانى واضعاً جبينى على تراب الذلّ و الانكسار و اعفر وجهى بغبار فنآء احديتك يا ربى المختار خاضعاً خاشعاً متذللاً متضرعاً مبتهلاً الى ملكوت انوارك فى الليل و النهار ان تنظر الينا بعين عنايتك و لحظات طرف رحمتك و تغفر لنا ذنوبنا و خطايانا و تعاملنا بفضلك و جودك فى كل الأحوال ربنا انا خطاة و انت الغفور الرحيم و نحن عصاة و انت التواب الكريم فاغفر لنا ذنوبنا و اكشف عنا كرونا و قدر لنا برحمتك الانقطاع عن الدنيا و الاشتغال بذكرك و الاشتغال بنار محبتك و المداومة فى مشاهدة آياتك و معرفة كلماتك و الامعان فى آثارك و الاقتباس من انوارك

ربّ ربّ هؤلاء عباد اخلصوا لوجهك وجوههم و انحصر فى فضلك و عطائك سرورهم و حبورهم و اشدّد ظهورهم على طاعتك و قوّ ازورهم على عبادتك و اشرح صدورهم بنفحات قدسك و قدر لهم حضورهم فى جنّة لقائك و اجعلهم عباداً يترلّون آيات التوحيد فى مجامع ذكرك و يقتبسون انوار التفريد من مشكاة فيضك و ينجذبون الى جمالك و يخضعون لجلالك و يتركون ما دونك و يعتمدون على صونك و عونك و يخضعون لكلمتك و يخشعون لأحبتك و ينشرون لنفحاتك و يكشفون لسبحاتك و يفهمون اشاراتك و يفرحون من بشارتك انك انت المقتدر على ما تشآء تعطى من تشآء و تمنع من تشآء و ترزق من تشآء بيدك الملك و الملكوت انك انت القوى العزيز المحبوب

اى احبائى الهى و اى ياران عزيز عبدالبهآء جام ميثاق سرشار است و فيض موهبت كوكب اشراق از جهان پنهان چون مه تابان ظاهر و باهر در آفاق بارقه صبح هدى منتشر است و نير فيض جمال ابهى مستمرّ و مشتهر صيت بزرگواری اسم اعظم بشرق و غرب رسیده و آوازه امر جمال قدم جنوب و شمال را احاطه کرده نفحات قدس در مرور است و نسیم حیات در هیوب کلمه الله مرتفع است و عزّت ابدیه مکتشف سراج احدیت ساطع است و شعله رحمانیت لامع از جمیع اقطار ندای یابہآء الابهی بلند است و در خاور و باختر تعالیم الهی حیرتبخش هر هوشمند اوراق حوادث در افریک و امریک و اروپ بعضی بنعت و ستایش مشغول و برخی بایقاظ ملل مألوف و بحیرت موصوف که این امر بسیار خطیر و مخوف بعضی اظهار تعجب نمایند و برخی از شدّت تأسّف شکایت رانند قومی گویند که حضرت مسیح حین صعود در ظلّش نفوس معدوده بود با وجود این صیتش جهانگیر گشت و آوازه اش بفلک اثير رسید اما جمال قدم روحی لأحبائیه الفداء حین صعود مات و الوف در ظلّ رایت عظمتش محشور دیگر معلومت که در استقبال چه قیامتی برپا خواهد شد و اعظم یاران حضرت روح پطرس عظیم بود با وجود این پیش از صعود مضطرب گشت و بخوف و هراس افتاد اما اسم اعظم روحی لأحبائیه الفداء هزاران نفوس در سیلش رقص کنان کف زنان پاکویان جانفشانی نمودند و بمشهد فدا شتافتند باری امور در این مرکز است دیگر معلومت که احبای الهی الیوم چه سان جانفشانی باید نمایند و بتبلیغ محتجبین پردازند نشر رائحه طیّبه کنند و شعله نورانیّه برافروزند و لمعه رحمانیه ظاهر نمایند

ای یاران الهی بعد از عروج جمال رحمانی آیا سزاوار است دمی بیاسائیم یا محفلی بیارائیم یا نفس راحتی بکشیم یا شاهد مسرّتی بجشیم یا سر بیالین آسایش بنهیم و یا آرایش و آرایش جهان آفرینش بجوئیم لا والله این نه شرط وفاست و نه لایق و سزاوار پس ای یاران بدل و جان آرزوی خدمت آستان نمائید و مانند راستان پاسبان عتبه رحمن گردید و خدمت عتبه مقدسه نشر نفحات است و بیان آیات یتّات و عبودیت درگاه احدیت و بندگی بارگاه رحمانیت ملاحظه فرمائید که یاران حضرت روح روحی له الفداء بعد از صعود بچه انقطاعی و انجذابی و اشتعالی باعلاء کلمه الله قیام نمودند از فضل حق امیدواریم که ما نیز پی آن پاکان گیریم و بقریانگاه عشق وجدکنان بشتائیم اینست فضل موفور اینست موهبت حضرت ربّ غفور در این ایام در نشر تعلیم الهی در بعضی جهات قدری فتور حاصل و این سبب غم و اندوه ملأ اعلی گشته زیرا اهل ملکوت ابهی منتظر و مترصد آنند که هر یک از ما یوفا قیام نمائیم و در محبت اسم اعظم تحمل هر بلا و جفا بنمائیم بعضی از یاران رحمانی راحت و آسایش جسمانی خویش را ترک نمودند و در بلاد شهر بشهر بلکه قریه بقریه بنشر نفحات الله پرداختند آن نفوس پاکجان مظهر تحسین ملأ اعلی گشتند روحی لهم الفداء که بچنین موهبت کبری موفق شدند ایام را بتعب و مشقت کبری گذراندند و انفس را در هدایت غافلان صرف نمودند

ای یاران وقت راحت و آسایش نیست و زمان صمت و سکون نه عندلیب گلشن وفا را نغمه و الحان بدیع لازم و طوطی شکرشکن هدی را نطق بلیغ واجب سراج را نور و شعاع فرض است و نجوم را درخشندگی مستمرّ حتم دریا را موج باید و طیور را اوج شاید لآلی را لمعان لازم و ازهار ریاض عرفان را بوی مشکبار واجب از فضل حیّ قدیم امید چنانست که کل بر آنچه باید و شاید موفق گردیم ای احبای الهی تعلیم الهی مورث حیات ابدیست و سبب روشنائی عالم انسان صلح و صلاحست و محبت و امان تأسیس آشتی و راستی و دوستی در جهان آفرینش است و واسطه اتحاد و اتفاق و التیام و ارتباط در میان عموم افراد انسان لهذا باید که اساسی در این جهان نیستی بنهید که سبب هستی بی پایان گردد و علت نورانیت عالم امکان شود با جمیع امم و ملل عالم در نهایت محبت و مهربانی سلوک و حرکت لازمست و با کافه فرق مختلفه نهایت مودت و مرحمت و مروت و اعانت و رعایت واجب هر دردی را درمان شوید و هر زخمی را مرهم و سبب التیام هر ضعیفی را ظهیر گردید و هر فقری را معین و دستگیر هر خائفی را کفّ منیع شوید و هر مضطربی را ملاذی رفیع در این مقام ملاحظه و امتیاز هرچند جائز ولی در این کور عظیم محبوب و مقبول چنانست که نظر از حدودات بشر برداشته شود و یاران مظاهر رحیم و رحمن گردند و نوع انسان را خدمت حئی حیوان را مواظبت نمایند و رحمته سبقت کلّ شیء

ای یاران الهی از فساد پرهیزید و از نائره فتن احتراز نمائید زیرا جهانسوز است و سبب هدم بنیان الهی در شب و روز از اهل فساد بکلی کناره جوئید و جز محبت و اطاعت و صداقت و امانت را افسانه شمردید زیرا بعضی نفوس اغراض مکنونه در دل دارند و بهانهائی جویند و فتنهائی اندازند و فساد برپا نمایند و بظاهر اظهار حمیت و آرزوی حرّیت نمایند و حال آنکه منویّ ضمیر چیز دیگر است و مقصد دیگر لهذا احبای الهی باید از اینگونه نفوس و از این قبیل امور بکلی اجتناب کنند اطاعت اولیای امور علی الخصوص اعلیحضرت شهریار موجود کنند زیرا سریر تاجداری امروز بوجود شخص عادل مزین است و مسند صدارت بوجود دستور مهربانی آراسته جمیع تعدّیات از اشخاصی است که بظاهر آراسته و بحقیقت کاسته و خویش را در لباس علم درآورده و مانند علت کابوس بر این ملت مأیوس مسلط گشته جمیع را بعوائد قدیمه و قواعد سقیمه دعوت مینمایند و مانع عزّت دولت و ترقی ملت هستند دعا کنید که حیّ قدیر این نفوس را از خواب غفلت بیدار نماید و غمخوار بیچارگان گرداند این را بدانید که ترقی ملت منوط بنفوذ و عزّت و قوّت دولت است و قوّت دولت مشروط بعلوّت و ثروت و سعادت ملت این دو توأم است بعضی بیخردان را چنان گمان که اگر در نفوذ حکومت خلل و فتوری حاصل شود آسایش و

حبور رخ بگشاید نچنان است آنچه نفوذ حکومت عادله بیشتر گردد ملت قدم پیشتر نهد و هذا امر محتوم لا یتردّد فيه الا کلّ جهول و ظلوم

ای احبای الهی وقت محویت و فناست و هنگام عبودیت و وفا نهایت عروج این عباد مقام بندگی حضرت یزدانست اگر در درگاه عبودیت مقبول گردد یا حبّذا هذه الموهبة الكبرى والا هو مأیوس من رحمة الله لهذا عبدالبهاء را نهایت آمال و آرزو چنانست که در این فضا پر و بالی بگشاید و در این میدان بشتابد و از این صهبا نشئه ییمنتها یابد سرمست این جام گردد و از این مدام کام دل و جان طلبد و هر ذکری جز این ذکر محبوب محتوم سبب کمال حزن و اندوه است و علت شدّت اسف و حسرت غیر محدود از یاران الهی استدعا مینماید که شب و روز بملکوت الهی بزارند و بنالند تا عبودیت این عبد در آن آستان مقبول افتد

ای احبای الهی اگر سرور و حبور و آسایش جان و راحت وجدان عبدالبهاء را خواهید بر اتّحاد و اتّفاق بیفزائید و جمیع امواج یک بحر گردید و قطرات یک نهر گلهای یک گلشن گردید و حلقه‌های یک جوشن در یک هوا پرواز نمایند و بیک نغمه و آواز ترنّم‌ساز این سبب سرور ابدی است و راحت قلب در جهان سرمدی این عبد همواره از سرور اهل فتور در خطری عظیم است و در بالای عقیم امید بقا در ایام معدودی نه و خوف و بیم آن دارم که حصن حصین را از اختلاف جزئی بین احبّا رخنه عظیم حاصل گردد لهذا الیوم خدمتی اعظم از اتّحاد و اتّفاق احبّا نیست هذا امر مبرور و هذا هو الفوز العظیم و الفیض المبین للمستظّلین فی ظلّ شجرة الطور

جناب امین علیه بهاء الله الأبهی از یوم ورود باین بقعه نورا چه در انجمن احبّا و چه در نزد عبدالبهاء جمیع اوقات را بستایش یاران و محمّدت دوستان گذراند زبان را بتوصیف هر یک بگشاد و شرح بسیطی از ثبوت و استقامت احبّا و اماء الرّحمن در بلدان و قری بیان نمود و از این عبد خواهش کرد و بالتّیابه از جمیع دوستان الهی جبین بر عتبه مبارکه نهاد و زیارت نمود و طلب تأیید و توفیق کرد و علیکم التّحیّة و الثّناء ع